

کانون بانوان با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکتهای زنان در ایران

به کوشش
مریم فتحی

① بخش اوّل

④ فصل اول : تحولات جهانی و جایگاه زن ایرانی

④ فصل دوم : تغییرات معرفتی از زن ایرانی در رویارویی

فرهنگی شرق با غرب

④ فصل سوم : بازتاب‌های تحول اندیشه در قالب مدارس -

انجمن‌ها - نشریات

فصل اول

تحولات جهانی و جایگاه زن ایرانی

مطالعه روند روابط اجتماعی اولیه بشری در ارزیابی وظایفی که انسان‌ها (زن و مرد) در زندگی اجتماعی در طول تاریخ عهده‌دار آن شده‌اند، و به تبع آن، هر یک، جایگاه کنونی خویش را یافته‌اند، ضروری است.

در پیدایی اجتماعات بشری و به منظور رسیدن به سیر تکاملی و پویایی، چاره‌ای جز همراهی و همنوایی نبوده است. تقسیم کار بین دو جنس در گروه‌های انسانی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود و تحقیقات دیرینه‌شناسان نیز بر آن صحنه می‌گذارد.^۱ یکی از ویژگی‌های بارز این دوران، مشارکت بر مبنای توانایی‌های زن و مرد در امور گروه بود. این دو در کار و زندگی، همکار و شریک و مکمل هم بوده و بر اثر تفکیک قوا، نوعی از تعادل اجتماعی را موجب می‌شدند هیچ نشانی از مادرسالاری و پدرسالاری نبود.^۲

اگرچه بر اثر دقت و ممارست زن، امور کشاورزی جایگزین شکار مردان شد و به دنبال آن، به منظور یادآوری نقش محوری زن در کشاورزی، وی مادر و سرور طبیعت شناخته شد و پرستش الهه‌های زن رواج یافت،^۳ با این حال، بر اساس نظریه گوردن چایلد، در عصری که زن به دنبال ره‌آورد جدیدش در اقتصاد (کشاورزی) به ارتقاء مقام اجتماعی دست یافت، ولی هیچ نشانه‌ای از رفتار خصمانه وی با دیگران، به ویژه مردان

۱. آندره میشل. جنبش اجتماعی زنان. ص ۲۳-۲۲ و نیز، بیانیه گروهی از زنان سوسیالیست، درسهای جنبش زنان در ایران، ص ۱-۲.

۲. جلال ستاری. سیمای زن در فرهنگ ایران. تهران، مرکز، ۱۳۷۳، ص ۵-۶ به نقل از: Elisabeth Badinter, *L'un est l'autre, Des relations entre hommes et femmes*, 1986. pp 23,42,48,49.

۳. مارلین فرنچ. جنگ علیه زنان. ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)، تهران، علمی، ۱۳۷۳، ص ۱۸-۱۳ و نیز جلال ستاری. همان، ص ۶-۷.

و تحقیر و در تنگنا قرار دادن آنان دیده نمی‌شود.^۴

در دوران نوسنگی میانه (بین شش تا سه هزار سال قبل از میلاد) با دستیابی انسان به مفرغ و رشد توان ابزارسازی، حفظ اجتماعات و افزایش جمعیت نظام اجتماعی سیر تعادلی خود را از دست داد. و با کشف انرژی‌های نوین قدرت گاو، آب و باد و با اختراع خیش و آسیای بادی یا آبی و کشتی بادبانی و... در این دوران، مرد به عنوان عامل تولید کشاورزی جانشین زن شد. در ادامه این روند، پرستش الهه‌های زن نیز به مرور کاهش یافت. مقام و موقعیت زن، به ویژه در شهرها که روز به روز به توسعه و گسترش داشت، رو به افول نهاد و به درون خانه رانده شد. عدم تعادلی که ایجاد شده بود، به نفع مرد پایان یافته و منجر به شکل‌گیری نظام پدرسالاری شد.^۵

این نظام با رشد شهرنشینی در تمامی دوران باستان، تقویت و استحکام یافت و زنان به دلیل اختصاص منزلت‌های سیاسی و نهادهای اثرگذار به مردان، تنها در نهادهایی که حضور بارزتری در آن داشته و دارند، محدود و محصور شدند. در بین اقوام متعدد، واژه «حرم»^۶ برای زنانی که در طبقات عالی اجتماع حضور داشتند و به طور کلی، برای تمامی سطوح زنان جامعه اطلاق شد و حوزه اشتغال زنان در خانواده و امور تعلیمی و تربیتی آن، تعریف و تعیین گردید.^۷

بدین‌سان، محصور شدن زنان در شهرها در دو مرحله صورت گرفت: در طول نخستین مرحله، مردانی که از مزایای مالکیت خصوصی زمین و سایر مزایای اجتماعی برخوردار بودند، از راهبان و نظامیان، مدد می‌جستند تا زنان را از کارکردهای کهن مذهبی و سیاسی‌شان محروم کنند. در طول مرحله دوم که رشد شهرها و تجارت سبب پیدایی طبقه متوسط شد، تشخیص طلبی تجار بروز یافت؛ آنها بر این باور بودند که با دورنگهداشتن همسران خود از تولید شهری یا صنعت و به دنبال آن، از هر شبکه ارتباطی که بتواند برای آنها قدرتی سیاسی در شهر فراهم آورد، می‌توانند در سلسله مراتب اجتماعی، ارتقاء مقام بیابند.^۸

به نظر می‌رسد از مرحله دوم که فشار بر زنان مضاعف شد، عدم حضور جدی آنان

۴. آندره میشل. همان، ص ۲۴-۲۵. همان، ص ۲۹ و ۳۱ و نیز جلال ستاری. همان، ص ۹-۱۰.

۶. همان، ص ۳۴-۳۵.

۷. ناصر تکمیل همایون، بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران، ص ۱۱.

۸. آندره میشل. همان، ص ۳۵.

که منحصر به طبقات بالای اجتماع بود، طیف گسترده‌تری یافت، تا آنجاکه در یونان قدیم، زن فاقد شخصیت حقوقی و اجتماعی گشته و به عنوان کالایی تحت تملک، بین مردان دست به دست می‌گشت و مرد می‌توانست وی را به هرکس که مایل بود، قرض داده یا ببخشد.^۹ البته از نظر بنیان‌گذاران و نویسندگان عربی، عنوان بشر، گروه‌ها و نژادهای خاصی از مردم جهان اختصاص داشته و بقیه چه زن و چه مرد طبقه فرودست تلقی می‌شوند.

با سقوط امپراطوری روم و هجوم بربرها، نهادهایی چون دولت‌های متمرکز و زندگی شهرنشینی و طبقات شهری که در انزوای زنان نقش عمده‌ای داشتند به طور موقت برهم خورد. تا آنجا که حتی در طول قرون وسطی، البته به طور محدود، زنانی در نقش کشیش ظاهر شدند و در بنای دیرها و معابدی که در مناطق دوردست به تبلیغ دین عیسی مسیح و جلب امرای جدید به مسیحیت و پاسداری از دانش فعالیت می‌کردند سهمیم گشتند، البته این دسته از زنان به هیچ وجه، حق ارتقاء به مقام اسقفی را نداشتند.^{۱۰}

این روند در تمدن‌های اولیه در ایران نیز چنین سیری را طی کرد. گیرشمن معتقد است که جامعه بدوی ایرانی، وظیفه مخصوصی به عهده زن گذاشته بود، که شامل نگهبانی از آتش، شاید اختراع و ساخت ظروف سفالین، شناسایی گیاهان و دقت در فصل رویدن آنها (که منجر به اطلاع از رموز کشاورزی شد) بوده است. و در نتیجه، در برخی قبایل عیلامی و اداره امور قبایل و انتقال خون اصیل قبیله‌ای، به زنان اختصاص یافت و به وی رتبه و درجه والایی بخشید.^{۱۱}

با ورود آریایی‌ها به ایران و تشکیل دولت ماد، به موازات تکامل ابزار تولید و گسترش برده‌داری، نظام پدرسالاری استحکام یافت و زن ایرانی به مرور، پایگاه خود را از دست داد.^{۱۲}

ظهور زرتشت و عقاید وی در ارتباط با جامعه پدرسالاری ایران، شایان توجه است؛

۹. منوچهر خدایار محبی. شریک مرد. تهران، تابان، ۱۳۲۵، ص ۴۱-۴۰.

۱۰. آندره میشل. همان، ص ۳۹-۴۰.

۱۱. ر. گیرشمن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ ص ۱۱-۱۰ و

نیز، غلامرضا انصاف‌پور. حقوق و مقام زن از آغاز تا اسلام در ایران. تهران، میهن، ۱۳۴۸، ص ۱۵.

۱۲. جلال ستاری. همان، ص ۱۹ به نقل از جلال‌الدین آشتیانی، تجزیه و تحلیل افکار زرتشت، مزدیسنا و

حکومت، مونیخ ۱۹۸۴ / تهران، ۱۳۶۶، ص ۳۴۷-۳۰۹.

چنان‌که از عقاید زرتشت در اوستا برمی‌آید، زن و مرد در خلقت، برابر و از یک گوهرند. این همتایی و همسنگی در یسنا، هات ۴۶، بند ۱۰ به روشنی بیان شده است:

آن مرد با زن که از برای من، ای مزدا اهورا به جای آنچه را که تواز برای جهان
بهتر دانستی از برای پادشاه درست‌کرداری وی، بهشت [بدو ارزانی باد] و کسانی را
که من به نیایش شما برگمارم، با همه آنان از پل چینوت خواهم گذشت.^{۱۳}

چنین آموزه‌هایی در برابر روند رو به گسترش نظام پدرسالاری، تاب مقاومت نیاورده و بنا به گواهی آثار مکتوب، برابری جایگاه زن و مرد، بدان‌گونه که از «گاهان» برمی‌آید، به تدریج کاهش یافت و هر چه از متن‌های کهن دور می‌شویم، برتری جنس مذکر، بیشتر به چشم می‌خورد و مقام و منزلت زن تنزل می‌یابد تا آنجا که «بیوه زن» مظهر بی‌پناهی و رنجوری می‌گردد. از این رو در نوشته‌های پهلوی (دینکرد، شایست و ناشایست، کارنامه اردشیر بابکان، ارداویرافنامه، و هزار دادستان) نکته‌ها و گفته‌های تحقیرآمیز و ناخوشایندی درباره زن دیده می‌شود. و مرد و زن با واژه‌هایی که بار مثبت و منفی دارند، نامیده می‌شوند.^{۱۴}

با ظهور دین اسلام و توصیه‌هایی که درباره زنان دارد، جو فرهنگی ایجاد شده، زنان را به جایگاه والایی سوق داد. اسلام ضمن در نظر گرفتن تفاوت طبیعی موجود بین دو جنس از لحاظ ساختار جسمانی و روحی و نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی متناسب با هر یک، در حقوق اساسی بشری مانند کرامت ذاتی، و حقوق اصلی و اولی مانند آزادی، استقلال و... تفاوتی بین آنها قائل نیست. آیاتی چون «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکن الیها...» (اوست خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت تا با او انس و آرام گیرد).^{۱۵} «والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفدة و رزقکم من الطیبات اقبال باطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون» (و خدا از جنس خودتان برای شما جفت آفرید و از نعمت‌های پاکیزه لذتید، روزی داد. آیا مردم با وجود این همه نعمت‌های خدا باز به باطل می‌گروند و به نعمت خدا کافر می‌شوند)،^{۱۶} همگی گواه این مدعاست. همچنین، خداوند ضمن به رسمیت شناختن حقوق اجتماعی زنان در

۱۳. همان، ص ۱۸، به نقل از، گاتها، بخش نخست، گزارش پورداد، بمبئی ۱۹۵۲، ص ۱۰۲.

۱۴. کتابون مزدایور، حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران. دفتر اول، قبل از اسلام، دفتر پژوهشهای فرهنگی وابسته به

مراکز فرهنگی سینمایی، ۱۳۶۹، ص ۵۵-۵۲ و ۶۶.

۱۵. سورة اعراف / ۱۸۹

۱۶. سورة نحل / ۷۲.

قرآن درباره بیعت زنان می‌فرماید: «یا ایها النبی اذ جائک المؤمنات یبایعنک علی ان لا یشرکن بالله شیئا و لا یسرقن و لا یزنین و یقتلن اولادهن و لا یأتین بیهتان یفتربنه بین ایدیهن و ارجلهن و لا یعصینک فی معروف فبا یعهن و استغفر لهن الله. ان الله غفور رحیم» (الا ای پیغمبر [گرامی] چون زنان مؤمن آیند که با تو برایمان بیعت کنند که دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زناکاری نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و برکس افترا و بهتان میان دست و پای خود نبندند و با تودر هیچ امر معروفی مخالفت نکنند، بدین شرایط، با آنها بیعت کن و بر آنان از خدا آمرزش و غفران طلب که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است).^{۱۷}

بدین ترتیب، اسلام به زنان ارزش‌های فراموش شده‌ای را اعطا کرد که در سایه آن در صدر اسلام، با ظهور زنانی چون خدیجه (س) – همسر پیامبر – فاطمه (س) – دختر گرامی آن حضرت و زینب کبری (س)، حقانیت دستورات و توصیه‌های اسلامی به اثبات رسید.^{۱۸}

ظرافت دیدگاه اسلام نسبت به زنان در این است که ضمن قائل بودن به تفاوت در پاره‌ای از حقوق و تکالیف زن و مرد که بیانگر نگرش متفاوت به شخصیت زن، شخصیتی محوری و باورنکردنی برای زن قائل است. علیرغم تابعیت ظاهری زن از مرد، در طبیعت و در خانواده زن محور است، یعنی مرد فرع بر او و خادم و نگهبان و مدافع و کارگر اوست و زن حتی به گونه‌ای غیرمستقیم در جامعه هم دخالت محوری دارد و دست‌کم با مرد یکسان است.

در قرون سوم و چهارم هجری، با رشد فرهنگ و تمدن اسلامی، به ویژه گسترش تجارت و بازرگانی، حیات اجتماعی زن مسلمان تحت لوای تعلیمات و تأکیدات دین اسلام، بالندگی و رونق بیشتری یافت. تا جایی که اقتصاد خانواده، در بین تجار و اشراف، از دست مرد مسلمان سده‌های میانه، به دست همسرش افتاد. در دربار خلیفه، ملکه مادر و خواهران و دختران خلیفه به رتق و فتق امور اداری و اقتصادی سرزمین‌های اسلامی پرداخته و نقش مؤثری در آبادی و رونق آن سرزمین‌ها داشتند،^{۱۹} که نمونه‌ای از

۱۷. سوره ممتحنه / ۱۲

۱۸. حسن صدر، حقوق زن در اسلام و اروپا. تهران، ۱۳۴۸، ص ۵۶-۶۹ و نیز سید جلیل خلیلیان، سیمای زن در قرآن. تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۱ و ۱۵۱.

۱۹. علی مظاهری. نقش زن در فرهنگ ایران و نوشته‌های دیگر به مناسبت جشن مهرگان. بنیاد شاگردان استاد مظاهری، زنجیره نوشته‌های پژوهشی، دفتر شماره ۲، تابستان ۱۳۷۱، ص ۱۴.

آن را خواجه نظام‌الملک در سیرالملوک درباره زبیده همسر هارون‌الرشید متذکر می‌شود.^{۲۰}

در همین زمینه، تحقیقات الیزا بولدینگ - محقق امریکایی حاکی از آن است که در زمان امویان و عباسیان و پیش از آن‌که غرب از توحش به در آید، زنان در تمامی دنیای اسلام در خشیده‌اند و از بین آنان، علمای مذهبی، دانشمندان، حقوقدانان، شاعر و رئیس دولت برخاسته‌اند.

به نظر می‌رسد، ادیان الهی با تأکید در رعایت حقوق زنان، به ویژه در دین زرتشت و اسلام با تذکر مقام و شأن زن و معزز داشتن وی و اقرار صریح به حقوق انسانی او، قصد باز آوردن آب رفته را به جوی داشته‌اند. اما به دلیل عمق و ژرفای انحرافات اجتماعی از یکسو و درک ضرورت زمانی از سوی دیگر، احکام دینی به دو صورت آرمانی (ایده‌آلی) و واقع‌بینانه (جامعه‌نگر) مطرح می‌شود.

بنابراین، درخشش زنان چندان نپائید و در جوامع اسلامی از دوران بنی‌عباس به بعد، به دلایل درونی چون فساد، و انحطاط سیاسی اقتصادی و اجتماعی و...^{۲۱} و نیز رویارویی با قدرت‌های سیاسی، نظامی، خارجی و ناامنی‌های ناشی از آن، زن مسلمان، به ویژه، زن ایرانی از حقوق اساسی خود که دین نیز بر آنها صحه می‌گذاشت، محروم شد.^{۲۲}

با توجه به این سابقه تاریخی و اجتماعی، برخی معتقدند که سیر حقوق زن و بینش اجتماعی نسبت به او را به صورت زیر می‌توان تقسیم کرد:

مرحله اول - برداشت جوامع بدوی با مظاهر اندک تمدن، تلقی زن به عنوان مایملک متعلق مرد

مرحله دوم - مرحله مالکیت‌های بزرگ تیولداران و حکومت پادشاهان و امرای مستقل و خوانین و نگرش به زن مانند برده در دست و اختیار مرد

مرحله سوم - ظهور اسلام و اوج عزت زن و بازیافت کامل حقوق انسانی زن

مرحله چهارم - فشار فرهنگ‌های ملی و سنتی و بازگشت سلطنت و

۲۰. خواجه نظام‌الملک طوسی. سیاست‌نامه (سیرالملوک). به کوشش دکتر جعفر شعار، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۵-۱۷۲.

۲۱. قاسم امین: زن و آزادی، ترجمه مهذب، تهران، معارف، ۱۳۱۶، ص د-ج. مقدمه.

۲۲. ناصر تکمیل همایون. همان، ص ۱۳.

حکومت‌های خانخانی و تیولداری، و برگشت نسبی زن به سنن جاهلی (به مرحله دوم)

مرحله پنجم - هجوم فرهنگ غربی و تأثیر مخرب آن بر فرهنگ بومی جاهلی - اسلامی و آغاز تعارض دوگانگی فرهنگی و تضادهای ناشی از آن در روانشناسی اجتماعی این جوامع و بالاخره، از خود بیگانگی زن.^{۲۳}

بدین لحاظ با شناخت بستر تاریخی اسلام از قرون اولیه تا قرون اخیر و با نشانه‌هایی که از حضور اجتماعی زن و برقراری روابط و وظایف اجتماعی وی به دست می‌آید، و نیز با مقایسه رخدادهای جوامع اسلامی، از جمله ایران می‌توان گفت که جامعه اسلامی در پی رشد فرهنگی و تمدنی خود به طور عام و جامعه ایرانی به طور خاص، بعد از قرون اولیه اسلامی، به ترتیب با دو جریان خارجی که اولی بار تهاجمی خشن و نظامی داشت و دومی دارای بار فرهنگی، اقتصادی بود، روبرو گشت. جریان اول به حضور عنصر ترک و مغول و تبعات اجتماعی آن، به ویژه درباره زنان ارتباط می‌یابد. و دیگری، رخنه فرهنگی غرب، از قرن شانزدهم به بعد است که با استحاله فرهنگی جامعه زنان، سبب ایجاد شرایطی جدید شد. با ارزیابی هر دو حرکت، درک شرایط بعدی جامعه اسلامی، بیشتر میسر می‌گردد:

۱. عده‌ای معتقدند که با ورود ترکان و مغولان به جهان اسلام و دستیابی آنان به مقامات بالای نظامی و سیاسی، و ناامنی‌های حاصل از هجوم آنان، زن ترک، برده و زرخیر اربابش (مرد ترک) گردید.^{۲۴} اگرچه بعدها این مهاجمان در مواجهه با فرهنگ پویا و ریشه‌دار ایرانی - اسلامی، از آن تأثیر پذیرفته و به رنگ و شکل این فرهنگ تغییر ماهیت دادند، اما نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی که در موضع‌گیری جامعه در مقابل آن تهاجمات ایجاد شده بود، در بطن اجتماع رسوخ و رسوب نموده و به دلیل عجین شدن با نابسامانی و هرج و مرج در زندگی خاص ایرانی، به صورت حفظ حریم، و با واژه‌هایی چون «ناموس»^{۲۵} که هم، وطن و عرق ملی و هم طبقه زنان را شامل می‌شد، نمایان گشت. پس چاره‌ای جز دور نگهداشتن زن ایرانی از بازار تقابلات و روابط

۲۳. سید محمد خامنه‌ای. حقوق زن در اسلام. تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۲۴-۲۵.

۲۴. علی مظاهری. همان، ص ۸. ۲۵. رضا شعبانی. همان، ص ۱۱۶.

اجتماعی نماند.^{۲۶}

چنین وضعیتی تا دوران قاجار ادامه یافت و به طوری که از آثار سیاحان خارجی^{۲۷} و حتی جریانات و کشمکش‌های سیاسی^{۲۸} برمی‌آید، با وجود آمادگی زمینه‌هایی برای حضور زنان در اجتماع، همان ذهنیت تاریخی رایج، فعالیت زنان را به راحتی برنمی‌تابد. ۲. در ارزیابی و شناخت جریان دوم، و رخداد‌های قرون اخیر جوامع اسلامی، به ویژه ایران ضرورت دارد که تاریخ اروپا را، به خصوص از زمانی که آنان با تمدن‌های آسیایی و شرقی، آشنا شدند، پی بگیریم، تا نهایت چنین مواجهه‌ای در سرنوشت زن مسلمان جهان اسلام و زن ایرانی و اثرات آن بیشتر روشن بشود.

اروپائیان بعد از جنگ‌های صلیبی از خواب‌گران قرون وسطی بیدار شده و پس از آشنایی با تمدن شرق دگرگونی یافتند. بسته شدن راه زمینی اروپا به آسیا و در نتیجه، کشف راه‌های جدید دریایی و پیدایش آمریکا و اخذ تمدن آسیا وضعیت مساعدی را برای پیدایش دنیایی نوین فراهم کرد.^{۲۹}

واقعیتی که اروپاییان با چشم خود در شرق دیدند، پایه‌القائات وارونه‌کشیشان علیه اسلام را سست کرد و مشاهده زنان دانشمند و باسواد، حتی باعث تزلزل دینی مردم اروپا نسبت به کلیسا شد.^{۳۰}

ترقی صنعت و پیدایش متفکرینی در جنوب و مغرب اروپا، زمینه‌ساز انقلاب صنعتی انگلستان و انقلاب کبیر فرانسه بود. البته این تحولات به نحوی در وضعیت زنان تأثیر

۲۶. در خصوص نابسامانی‌های اخلاقی و اجتماعی ناشی از هجوم بیگانگان نک به:

جوینی. تاریخ جهانگشای جوینی. به سعی و اهتمام عبدالوهاب قزوینی، با حواشی و فهرس، (چاپ لیدن)، ج ۱، ص ۹۴، ۱۰۲، ۱۱۲، و نیز محمدهاشم آصف (رستم‌الحکما)، رستم‌التواریخ. به تصحیح محمد مشیری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲، ص ۱۰۸، ۱۱۲ و ۱۱۹.

۲۷. ژان پل هنریت دیولافوا، سفرنامه مادام دیولافوا به ایران و کلد. ترجمه فره‌وشی، تهران، خیام، ۱۳۳۲، ص ۲۰۶-۲۰۷.

۲۸. روزنامه ندای وطن. سال اول، ش ۱۲، ص ۷ و ۸ و ش ۱۵، ص ۲ و ۳، مربوط به فرستادن جواهرات گروهی از زنان قزوین برای کمک به بانک ملی به سعدالدوله و خرید آن از سوی عده‌ای از مردان و عودت جواهرات به آنان، که غیرت مردانگی‌شان خدشه‌دار نشود.

۲۹. منوچهر خدایار محبی. همان، ص ۴۸.

۳۰. حکیم الهی، زن و آزادی و ضرب‌المثل‌های ملل راجع به زنان، تهران، حکیم الهی، بی‌تا،

گذاشت.^{۳۱}

این تأثیرات در گام اول مثبت و به نفع زنان نبود و با اینکه بروز انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی انگلستان تحولات عمیق سیاسی و اقتصادی را در درون جامعه اروپا ایجاد نمود، اما با تمامی شعارهایی که در این زمینه مطرح می‌شد، در عمل زنان به حقوق آنچنانی دست نیافتند. حتی قبل از آن در عصر روشنگری فیلسوفانی چون ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸م) با وجودی که به تمامی بی‌عدالتی‌های اجتماعی انتقاد شدید داشت، اما طبق معمول یکی از این بی‌عدالتی‌ها را نادیده گرفت. در کتاب رامیل (۱۷۶۲م)، روسو این‌گونه می‌نویسد:

زنان و مردان برای یکدیگر ساخته شده‌اند، اما وابستگی متقابل‌شان برابر نیست. ما مردان بدون آنها بیشتر بقا خواهیم داشت تا زنان بدون ما. آنان وابسته‌اند به احساسات ما، به بهایی که، به شایستگی‌هایشان می‌گذاریم، به ارزشی که به جذابیت‌هایشان و به پاکدامنی‌هایشان و به پاکدامنی‌شان می‌نهمیم. در نتیجه آموزش زنان باید تمام و کمال در ارتباط با مردان طراحی شود و برای رضایت مردان، برای اینکه برای مردان مفید باشند، برای اینکه عشق و احترام مردان را به دست آورند، بسان کودکان پرورش‌شان دهند، بسان فرزندان بالغ مراقب آنها باشند. هم راهنما و هم تسلی‌بخش مردان باشند و زندگی را برای مردان شیرین و دلپذیر سازند.^{۳۲}

همچنین در طی انقلاب کبیر فرانسه نیز زنان انقلابی به دلیل نادیده گرفته شدن حقوقشان توسط مردان انقلابی مجلس فرانسه، به طور مستقل دو گروه زنان ژاکوبین^{۳۳} و ژیروندن،^{۳۴} اعلامیه حقوق زنان را در پاسخ به اعلامیه حقوق بشر (مردان) مصوب مجلس منتشر کرد که در آن حقوق برابر زن و مرد در حوزه قانون دولت و آموزش مطالبه شده بود.^{۳۵}

ماشینیسم به نحوی دیگر در بیداری زنان مؤثر افتاد. بدین معنی که ماشین به وسیله‌ای برای افزایش عده کارگران مزدبگیر تبدیل شد. اقتصاد دیرینه که کانون خود را بر محور خانواده استوار کرده بود، از هم پاشید. همبستگی خانوادگی متزلزل شد و زنان رنگ پریده از قلب سکوت خانه‌ها به کارخانه‌ها کشیده شدند. آنان مستقیماً و هم‌طراز با

۳۱. منوچهر خدایار محبی، همان، ص ۴۸.

۳۲. سوزان آلیس واتکینز. فمینیسم. ترجمه زیبا جلالی نائینی. تهران، شیرازه، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

۳۳. همان، ص ۲۴. ۳۴. همان، ص ۲۵-۲۶. ۳۵. همان

مردان در مقیاس وسیعی در امر تولید شرکت کردند. زن در کارخانه، به جای آنکه دختر یا همسر مرد شناخته شود، با نام خود و با کار خود شناخته شد. و به شدت مورد استثمار قرار گرفت.

زن که در خانه اقتصاد معیشتی را بر دوش خود داشت به دلیل آنکه ماشین اقتصادی کارگر ارزان و فراوان می‌خواست از درون خانه به کارخانه و برای کار برده‌وار کشیده شد ظاهراً از خانه آزاد شد ولی در کارخانه به دام افتاد در خانه قطب اقتصادی بود ولی در کارخانه به ابزار ارزان قیمت آن تبدیل شد.

همه این امور در نهایت سبب تشکیل مجامعی برای طرفداری از حقوق زنان به نسبت مساوی با مردان به نام طرفداران (Compagne Feministe)^{۳۶} شد.^{۳۷}

با امعان‌نظر به آنچه که اثرات مثبت و منفی این تحولات بود، در نهایت آنچه اتفاق افتاد، هدایت زنان از کنج خانه‌ها به سوی کارخانجات بزرگ صنعتی بود. و کار زن از خانه به عرصه اجتماع، منتقل و آزادی‌های مطروحه درباره وی به جهت شرایط جدید پی‌ریزی و دنبال شد.^{۳۸} برای تحقق عملی این امر، مبارزات طولانی از سوی زنان انگلیسی، فرانسوی، امریکایی و دیگر زنان در کشورهای غربی به راه افتاد. رهبری مبارزات زنان انگلستان را ولستون گراوت^{۳۹} با مساعدت استوارت میل^{۴۰} - فیلسوف انگلیسی به دست گرفت.

بالاخره در سال ۱۹۱۷ پارلمان انگلیس به زنان سی‌ساله شوهرداری که شوهرانشان حق انتخاب داشتند، حق انتخاب در مجلس شورای ملی داد^{۴۱} اگرچه در اینجا نیز زن

۳۶. واژه فمینیسم می‌کند: *Feminisme* در سال ۱۸۳۷ وارد زبان فرانسه شد. فرهنگ لغت ژر این کلمه را چنین تعریف «آئینی که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است. این مفهوم از زمان پیدایش در فرانسه با فعالیت‌های متعددی به منظور افزایش و بسط حقوق و نقش زنان در جامعه همراه بوده است. به همین جهت، تعریف فمینیسم، نه فقط دکترین بلکه محدوده عمل را نیز در بر می‌گیرد». آندره میشل. همان، ص ۱۱.

۳۸. همان، ص ۳۲.

۳۹. «وی در ۲۷ آوریل ۱۷۵۹م در انگلستان متولد شد. او نویسنده و مدافع حقوق زنان بود، کتاب معروفش اعاده حقوق زنان در ۱۷۹۲م به چاپ رسید. وی در سپتامبر ۱۷۹۷م درگذشت. حکیم‌الهی. همان، ص ۹۸.

۴۰. فیلسوف و اقتصاددان انگلیسی (۱۸۰۶-۱۸۷۳م) از مهم‌ترین آثار او مبانی اقتصاد سیاسی، نظام منطق یا مکتب سودگرایی است.

۴۱. منوچهر خدایار محبی. همان، ص ۵۳-۵۰ و نیز بنگرید به حکیم‌الهی، همان، ص ۹۷-۱۰۰.

تابعی از مرد شمرده می‌شد، ولی در مقایسه با گذشته، قدمی رو به جلو بود. این روند در مستعمرات انگلیس زودتر از خود انگلستان تحقق یافت.^{۴۲}

زنان در آلمان و اتریش قبل از جنگ جهانی اول به حق رأی دست یافتند.^{۴۳} نهضت آزادی زنان آمریکا همراه با استقلال آمریکا از تاریخ ۱۷۷۶ م رسمیت یافت، و زنان آمریکایی زودتر از خواهران اروپایی‌شان به حقوق اجتماعی - سیاسی دست یافتند.^{۴۴} بروز جنگ جهانی اول در حضور واقعی و جدی زنان، اثری عمیق گذاشت.

زنان توانستند با نشان دادن فعالیت‌های اجتماعی خویش، ثابت کنند که در امور اجتماعی و سیاسی نیز می‌توانند مؤثر واقع شوند و قادرند دوش به دوش مردان و همگام با آنان در مبارزات اجتماعی شرکت جویند. اغلب زنان در حین اشتغال به جنگ، متکفل معاش خانواده و فرزندان خویش شدند و در صحنه جنگ از محرومین پرستاری کرده، برای سربازان لباس می‌دوختند و با ایراد سخنرانی‌هایشان، مردان را به حفظ میهن و نگاهداری کشور از حمله دشمن تشویق می‌کردند.^{۴۵}

چنین روندی در جنگ جهانی دوم با شدت و وسعت بیشتری ادامه یافت. فداکاری زنان در این جنگ به هیچ وجه با جنگ گذشته قابل مقایسه نبود؛ زیرا زنان علاوه بر شرکت در امور نظامی و اداری، درباره امور حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و برقراری صلح عمومی نیز فعال بودند.^{۴۶}

فعالیت‌های زنان در بعد دیگری نیز رشد و گسترش یافت و آن در قالب تشکیل مجامع و کنگره‌های مربوط به زنان بود که ابتدا جنبه کشوری و منطقه‌ای داشت و بعدها ابعاد بین‌المللی یافت و سپس بازتاب آن در رواج تفکرات این مجامع، در قالب کنگره‌های «نسوان شرق» در مشرق زمین و کشورهای اسلامی تحت سلطه، متجلی گشت.

اولین بار در اواخر قرن نوزدهم، کنگره‌ای از زنان آمریکا تشکیل یافت و دومین کنگره به سال ۱۸۹۳ در لندن برگزار شد و زنان در چند کشور دیگر در این کنگره شرکت جستند. سومین کنگره در سال ۱۹۰۴ در پایتخت آلمان تشکیل گردید و دو سال بعد، چهارمین کنگره با شرکت نمایندگان یازده میلیون نفر از زنان جهان در

۴۲. منوچهر خدایار محبی. همان. ۴۳. همان و نیز حکیم‌الهی. همان، ص ۹۵-۹۶.

۴۴. همان. ۴۵. همان، ص ۵۳. ۴۶. همان، ص ۵۴-۵۵.

پاریس افتتاح شد.^{۴۷} در سال ۱۹۱۰ کنگره بین‌المللی زنان سوسیالیست در کپنهاگ تشکیل شد. در این کنگره از تمام اتحادیه‌های زنان سوسیالیست دنیا شرکت داشتند و تصمیماتی مقتضی برای بهبود وضعیت زنان از لحاظ اجتماعی و سیاسی و اقتصادی گرفته شد. به همین مناسبت روز هشتم مارس بنا به پیشنهاد بانو کلارا زتکین^{۴۸} روز بین‌المللی زنان نامیده شد.^{۴۹}

پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۳۶ کنگره بین‌المللی زنان در پاریس تشکیل یافت که علاوه بر مطالعه وضعیت حقوقی زنان درباره فعالیت‌های آتی آنان در دنیا نیز افق‌هایی را ترسیم کرد. حضور نمایندگان کشورهای اسلامی، همچون مصر و سوریه^{۵۰} و ایران به نمایندگی صدیقه دولت‌آبادی^{۵۱} در این مجمع از جهت هماهنگی و همراه ساختن زنان کشورهای فوق‌الذکر با اهداف و نظرات زنان در کشورهای غربی و الگوسازی جدید در این کشورها حائز اهمیت و قابل تأمل است.

کنگره بین‌المللی ۱۹۴۵ نیز با حضور هشتصد و پنجاه زن به نمایندگی صد میلیون زن از چهل و چهار کشور در پاریس تشکیل شد. مادام کاتن رئیس اتحادیه بین‌المللی زنان مقاصد کنگره را در نطق افتتاحیه خود، شرح داد که عبارت بودند از: برانداختن فاشیسم؛ ایجاد صلح عمومی؛ تثبیت حقوق زنان، اعم از مادران و کارگران زن؛ بالا بردن سطح دانش زنان؛ و آماده ساختن آنان برای مبارزات سیاسی و اجتماعی.^{۵۲}

کنگره سال بعد در روز هشتم مارس در لندن گشایش یافت که محور مباحث آن بر تنظیم اساسنامه‌ای برای بانوان دنیا متمرکز بود. و اینکه شرایط برای زنان و کودکان دنیا در برخورداری از دموکراسی که از جمله موارد آن اعطای حق رأی به زنان و حقوق مساوی با مردان در کار یکسان بود، فراهم شود.^{۵۳} این کنگره‌ها در سال‌های بعد، در

۴۷. حسن صدر حاج سید جوادی. «پروزی زنان ایران»، اطلاعات سالانه. ۱۳۴۲، ش چهارم، ص ۱۴.
۴۸. او در ۱۵ ژوئیه ۱۸۵۷ به دنیا آمد قیصر ویلهلم دوم او را خطرناک‌ترین جادوگر آلمان می‌شناخت و لویی آراگون او را زن عصر جدید، زنی که با مرد برابر است، نامید. وی مدافع حقوق زنان، سوسیالیست، روزنامه‌نگار و سردبیر مجله برابری بود. (سالنمای زنان ۱۳۷۸، نشر توسعه)، ص ۵۶.

۴۹. منوچهر خدایار محبی. همان، ص ۵۲.

۵۰. حسن صدر حاج سید جوادی. همان.

۵۱. منوچهر خدایار محبی. همان، ص ۵۴.

۵۲. منوچهر خدایار محبی. همان، ص ۵۹.

۵۳. همان.

انطباق با شرایط جهانی ادامه یافتند.

اینک در تکمیل فضای ایجاد شده از سوی جریان دوم خارجی در ورود به جهان اسلام، مطالعه چگونگی ورود این جریانات و تفکرات در مورد زنان، ضروری به نظر می‌رسد.

همان‌گونه که در مباحث گذشته اشاره شد، در پی تحولات مربوط به زنان غربی، در کشورها و مناطق زیر سلطه نیز، شاید به منظور ادامه استعمار بدون دغدغه، تحرکاتی به منظور تغییر وضعیت زنان در این مناطق انجام شد که بازتاب آن در جریان حرکت‌های اجتماعی زنان مسلمان در نواحی مستعمراتی قابل بررسی است.

بنا به خبری که در روزنامه شکوفه، ویژه زنان در اواخر دوره قاجاریه درج شده، نخستین کنگره زنان در آسیا در هندوستان به همت زنان مسلمان آن منطقه و به تبع شرایط به وجود آمده، تشکیل شد. نکات جالبی که در خبر مربوط به این تجمع وجود دارد، حاکی از موضع‌گیری‌های خاص زنان مسلمان در قبال اخباری است که از عقب‌ماندگی‌های آنان به دلیل آموزش‌های دینی اسلام منتشر شده است. سلطان جهان‌بیگم - رئیس انجمن - ضمن رد اتهامات وارده به زن مسلمان، در مقاله‌ای که در اروپا چاپ شد، به یادآوری اوامر شرع مقدس اسلام و نص قرآن عظیم‌الشان در خصوص حقوق خواتین اسلام^{۵۴} پرداخت.

علاوه بر اهدافی که در قالب انجام این حرکت‌ها و حضور زنان در سطح جامعه برای تداوم جریان استعمار برشمرده شد، حتی اگر این حرکت‌های اولیه را کاملاً اصیل فرض نمائیم، به پیشرو بودن تعلیم اسلامی در مقایسه با تعلیم و فرهنگ‌های دیگر در تشویق زنان به فعالیت‌های اجتماعی، صحنه می‌گذارد و از این دیدگاه، چنین فعالیت‌هایی شاید نتایج طبیعی حرکت‌هایی بود که سال‌ها قبل افرادی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردانش در کل جهان اسلام، از هند گرفته تا مصر، آغازگر آن بودند و بعدها در مصر از سوی افرادی چون احمد فارس الشدیاق، رفاعة الطنطاوی، عبدالله ندیم و شیخ محمد

۵۴. این حقوق عبارتند از: «۱- حق مهریه ۲- نفقه ۳- رضاعت طفل ۴- حق وراثت که از آباء و اجداد انتقال یابد. ۵- حق وراثت مادر و اُمّ مادر ۶- حق وراثت از زوج ۷- حق وراثت از اولاد ۸- حق بر حسب وصیت (حقّی که از وصی منتقل می‌شود) ۹- در عطایا و هدایا ۱۰- در حال عدم اقتدار به اجرای عدالت میان ازواج به شدیدی ممانعت از تعدد زوجات» روزنامه شکوفه، ۵ شعبان‌المعظم ۱۳۲۳ ه.ق، سال دوم، ش ۱۴، ص ۳-۴.

عبده^{۵۵} ادامه یافت و دایره این فعالیت‌ها در حوزه حقوق مربوط به زنان نیز گسترش یافت.

متأسفانه، از یک سو به جهت هوشمندانه و زیرکانه بودن حرکتی که در غرب نسبت به کشورهای اسلامی و شرق صورت گرفته بود و عدم همسویی و هماهنگی‌های سیاسی و فکری و اجتماعی در شرق از سوی دیگر، حرکت‌های اصیل چون جرقه‌ای، محکوم به زوال و خاموشی می‌شد. پس متفکران و اندیشمندان، به خصوص در کشورهای اسلامی، خواسته یا ناخواسته در خدمت جریان فرهنگی‌یی قرار گرفتند که از غرب ریشه می‌گرفت و اینان در تبیین مبانی اندیشه‌های نو، حتی به توجیهاتی برگرفته از متون اسلامی نیز متوسل می‌شدند.^{۵۶}

بنابراین، اگر رشد و ترقی‌ای برای زنان در این جوامع - شرقی و اسلامی - متصور می‌گشت، در لایه و پوششی مطرح می‌شد که هم‌رنگی‌ها را با کل حرکت‌های زنان در دنیا حفظ کند. و در این بین، حجاب به عنوان مانعی عمده تلقی می‌شد که رفع آن علامت و آغازی برای ترقی از نوع غربی آن بود.^{۵۷} در پی آن سازمان‌ها و کنگره‌هایی که مبلغ چنین افکاری بودند با سرعت هرچه تمامتر در بیشتر کشورهای مطرح اسلامی از مصر^{۵۸} و هند^{۵۹} و ترکیه^{۶۰} گرفته تا ایران^{۶۱} تشکیل می‌شدند.

در اوج فعالیت‌های مربوط به زنان در اروپا، هیأت‌ها و شخصیت‌های مختلف علمی

۵۵. نوال السعداوی. چهره عریان زن عرب. ترجمه مجید فروتن - رحیم مرادی، تهران، کانون نشر اندیشه‌های نوین، ۱۳۵۹، ص ۳۰۴-۳۰۵.

۵۶. همان، و نیز نک به قاسم امین. زن و آزادی. ترجمه مهذب، تهران، معارف، ۱۳۱۶ و قاسم امین، زن امروز. ترجمه مهذب، تهران، کتابفروشی و چاپخانه مرکزی، بی‌تا.

۵۷. فاطمه استاد ملک، حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران، عطایی، ۱۳۶۷، ص ۷۹-۸۰.

۵۸. «بزرگترین هم سازمان زنان در مصر متوجه کشف حجاب بود» نوال السعداوی، همان، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۵۹. منوچهر خدایار محبی. همان، ص ۶۰. همان، ص ۵۴-۵۳.

۶۱. مهدیقلی‌خان هدایت درباره اقدامات فرهنگی اروپائیان در ارتباط با زنان در سرزمین‌های شرق می‌نویسد: «فکر مردم اروپا نسبت به زناشویی یا حال زن در شرق، به خصوص ترکیه و ایران مشتبه است. صورتاً اوضاع خودشان را مصدر قرار می‌دهند و مرام و قصد، تزلزل اسلام است؛ و تعقیب سیاست دیرینه، در باطن میسیون‌های مذهبی همه جابرای تولید اختلاف و نفاق است؛ به مصداق «من تشبه به قوم فهو منهم» همه را هم‌رنگ خود می‌خواهند، تا آنجا که مفید به استفادات خودشان باشد. مهدیقلی‌خان هدایت، خاطرات و خطرات. تهران، زوار، ۱۳۴۴، ص ۴۰۰.

مذهبی و فرهنگی غرب، فعالانه درصدد تحمیل و تطبیق آنچه در فرهنگ خود بدان رسیده‌اند، با فرهنگ ملل شرق، به ویژه اسلامی بودند.^{۶۲} از جمله این افراد می‌توان به سر دنیس راس -مدیر آموزشگاه مطالعات شرقی لندن- اشاره کرد. در مسافرتی که وی

۶۲. «کشیشان کاتولیک با تأسیس و گشایش مدارس شبرادر مصر، قدیمی‌ترین بنیاد جنبش‌ها را [مربوط به زنان از نوع اروپائی آن] پایه‌گذاری نمودند». فاطمه استاد ملک، همان، ص ۹۰. و نیز در این زمینه، محققان و میسیونرهای مذهبی تحقیقات گسترده‌ای را در جهت شناخت ویژگی‌های فرهنگی خاورمیانه و اسلامی انجام داده‌اند که برای نمونه، فاطمه استاد ملک به خبر ذیل که در مجله دنیای اسلام در ۱۹۰۷م درج شده، اشاره کرده است:

مجله انگلیسی کوبین در شماره ۲۳ فروردین ۱۲۸۵هش در تحقیقی که توسط آقایان استاشد لوری و دوگلاس استادن، وابسته به سفارت فرانسه در ایران به مدت سه سال، درباره زنان ایران انجام گرفته چنین آورده است: «زنان ایرانی از هر جهت زیر دست مردان هستند، تعلیماتی ندارند، گاهی از زنان شاعره‌ای با ذوق صحبت می‌شود، اما آنها نمی‌توانند استعداد خود را آشکار نمایند... در خانواده‌های مرفه زنانی هستند که تعلیماتی می‌گیرند... لباس قدیمی زنان با ژیله تنگ و شلوار چین از مد افتاده است. هنگامی که ناصرالدین شاه به اروپا مسافرت نمود، مدل دامن رقاصه‌ها را به حرم خود راه داد... بعضی از ایرانی‌ها میل دارند که زناشان فقط یک رنگ لباس بپوشند. اما هر کدام از آنان در وضع خود باید رنگ مخصوص داشته باشند. لباس داخل خانه با لباس خارج خانه فرق می‌کند. مردان در حرم از قدرت بسیاری برخوردارند... زمان زیادی لازم است برسند» تا زنان ایرانی بتوانند مانند زنان مصر به جنبش آزادی زنان ص ۲۷۶-۲۷۵، به!! مجله دنیای اسلام، سال ۱۹۰۷م، نقل از فاطمه استاد ملک: همان، ص ۸۶-۸۵.

فاطمه استاد ملک همچنین اشاره به مقاله‌ای در مجله شرقی در سال ۱۹۰۸م دارد که این مقاله یک ادعای نام و پیام است؛ ادعای نامی که بر ضد اسلام و پیام به زنان مسلمان در جهت جذب به فرهنگ غربی. در این مقاله، گزارش گروهی از زنان میسیونر که بعضاً از زنان سرزمین‌های اسلامی شیفته فرهنگ اروپایی بودند، درج شده بود. قسمت مربوط به ترکستان را مسلمانان مرتد، و قسمت مربوط به یمن و سودان مرکزی را میسیونرهای پزشک تهیه کرده بودند. بنا بر شرح آنان «در مصر وضعیت زنان مسلمان بسیار فلاتکت‌بار است، تولدش با ناگواری قبول می‌شود، در طفولیت تعلیمی نمی‌یابد، زن قابل دوست داشتن نیست، مادری قابل افتخار نیست، در پیری او کنار گذاشته می‌شود، بعد از مرگش هیچ کس برای او که تمام زندگیش خدمت کرده است، نمی‌گریزد».

از همین قبیل شکوه‌ها به تفصیل و برای هر یک از کشورهای مختلف مسلمان در شماره‌های مختلف به چشم می‌خورد. نویسندگان این مقالات معتقد بودند که تقریباً در تمام کشورهای اسلامی، قوانین اسلام بر ضد مسلمانان و باعث نادانی و عقب‌ماندگی و حقارت و بندگی آنان است. مقالات بسیار درباره وضعیت زنان مراکش، سودان، ترکیه، آفریقای شرقی، عربستان، بلغارستان، ایران، هند، چین، جاوه، مالزی و... در این مجلات جمع‌آوری شده است که با ترفند و تبلیغات مسموم درصدد تیره ساختن چهره اسلام و فرهنگ اسلامی در توجه به زن مسلمان بودند. فاطمه استاد ملک، همان، ص ۸۶-۸۳.

در سال ۱۹۲۹م / ۱۳۰۸هش به خاورمیانه داشت، اهداف از پیش تعیین شده‌ی وی، کاملاً بارز است. وی در مصاحبه‌ای که با روزنامه‌ی *دیلی میل* انجام داده، درباره‌ی دیدگاه‌های خود درباره‌ی کشورهای شرقی می‌گوید:

در ایران، تمایل ناچیزی نسبت به آزادی زنان - به طوری که ما آن را درک می‌کنیم - ابراز می‌شود و هرگاه در آداب و رسوم و سنن ایرانیان تغییری دست دهد، بسیار آهسته و با طول زمان، صورت خواهد گرفت. در قاهره، پیشرفت‌های مهمی در مسائل آموزش و پرورش مشاهده کردم و با این وصف در زندگانی نسوان عرب، تغییرات محسوسی به چشم برنخورد. راست است که زنان بی‌حجاب در وادی نیل فراوانند. اما آنها از بانوان مسلمان نیستند.^{۶۳}

وی، طی مصاحبه‌ی دیگری که با روزنامه‌ی *ایسرور* انجام داده، در جواب خبرنگار، که از وی در مورد تجدید حیات فرهنگ اسلام سؤال کرده، پاسخ می‌دهد: «بدون شک و شبهه... ملک فؤاد و رضاشاه در مصر و ایران، مردان پرشور و روشن فکری هستند و بی‌تردید، نهضت جدید دانشمندان مسلمان را به جوش و خروش درآورده است».^{۶۴} نکات قابل تأمل در سخنان دنیس راس، اشاره به مواردی است که نوع جهت‌گیری و حرکت‌های فرهنگی غرب را روشن می‌سازد: تلاش در رواج آزادی برای زنان از آن نوعی که اروپاییان درک می‌کنند. با این رویکرد، پیشرفت در آموزش و پرورش زمانی معنا می‌یابد که زندگی زن مسلمان با الگوها و معیارهای تعلیم و تربیت غربی هماهنگ باشد که نقطه‌ی شروع آن در تظاهرات فرهنگی، نظیر بی‌حجابی نمود می‌یابد. زمانی ادعای احیای فرهنگ اسلامی در ایران و مصر مفهوم واقعی خود را خواهد یافت که در تلازم با اقدامات فرهنگی دو شخصیت کاملاً تحت نفوذ و دست نشانده (ملک فؤاد و رضاشاه) قرار گیرد که در نهایت، سبب جوش و خروش فرهنگی دانشمندان اسلامی! آن هم در جهت انطباق با فرهنگ غرب خواهد شد.

در پی این هماهنگی که غرب در صدد ایجاد آن بود، جهت دادن به حرکت‌های اصیل زنان در کشورهای زیر سلطه و اسلامی به عنوان اصلی‌ترین راه چاره مطرح می‌شد که به

۶۳. سر دنیس راس، «آیا روزی می‌رسد که زنان شرق به صورت خواهران مغرب زمینی خود درآیند»، روزنامه‌ی *دیلی میل*. ۸ مه ۱۹۲۹م / ۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۸ش، به نقل از فتح‌اله نوری اسفندیاری، *رستخیز ایوان*، مدارک مقالات و نگارشات خارجی ۱۲۹۹-۱۳۲۳ تهران، چاپخانه سازمان برنامه، ۱۳۳۵، ص ۴۶۴-۴۶۳.
۶۴. همان، ص ۴۷۷.

دنبال آن، کنگره‌ها و کنفرانس‌هایی با عنوان کنگرهٔ نسوان شرق ترتیب داده می‌شد. جریان خزنده و آرام این محافل و مجامع در گسترش آنچه که فرهنگ خاص غربی است، در مرامنامه‌ها و مصوبات آنها کاملاً مشخص است. از جمله اولین مجمع اتحادیهٔ نسوان آسیا در هندوستان – مستعمره انگلستان – که بنا به خبر عالم نسوان در ژانویهٔ سال ۱۹۳۱ در لاهور منعقد شد. قبلاً مرامنامهٔ خود را به قرار ذیل اعلام نمود:

۱. ایجاد اتفاق در بین نسوان آسیایی

۲. حفظ و ترویج تمدن شرقی از قبیل فلسفه، صنایع، اهمیت مقام مادری، روحانیت

و...

۳. رفع معایب اجتماعی و اقتصادی از قبیل فقر، بی‌سوادی و سطح پائین مزد عمله در مشرق زمین

۴. انتخاب و اتخاذ بعضی از رسوم و قوانین اروپایی که با محیط مشرق زمین موافق باشد.

۵. تبادل افکار راجع به وضعیت اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نسوان عالم

۶. پیشرفت صلح عمومی^{۶۵}

دامنهٔ این مجمع در سال ۱۳۱۱ ه.ش ایران را نیز فرا گرفت. دومین کنگرهٔ نسوان شرق به سرپرستی نور حماده از بیروت، حنینه خوریه از مصر و فاطمه سعید مراد از سوریه در ایران تشکیل شد. محور مباحث سخنرانی‌ها و کمیسیون‌های متعدد کنگره ذکر ترقیات روزافزون زنان اروپایی و محرومیت زنان کشورهای عربی و ایرانی و لزوم جنبش و اقدامات جدی از طرف زنهای روشنفکر بود.^{۶۶}

نکتهٔ مهم اینکه، کنگره از طرف جمعیت بین‌المللی زنان حقوق طلب نیز مورد تأیید قرار گرفت.^{۶۷} مقررات تصویب شده در این کنگره نسبت به کنگره قبلی، از صراحت و تفصیل بیشتری برخوردار است؛ از جمله موارد این مصوبات عبارتند از:

– خانمها می‌توانند وقتی که استعداد و کفایت پیدا کردند و اکثریت در زنان فاضله و عالیه و تربیت شده، حاصل شد، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را از دولت تقاضا کنند.

۶۵. مجلهٔ عالم نسوان. (آبان ۱۳۰۹ ش / نوامبر ۱۹۳۰ م)، سال دهم، ش ششم، ص ۲۹۱.

۶۶. بدرالملوک بامداد. زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید. تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۶۰.

۶۷. سالنامهٔ پارس. ۱۳۱۳ ش، سال هشتم، ص ۸۹-۸۶.

- مدارس اکابر نسوان در نقاط مختلفه مملکت تأسیس شود.
- اعزام محصلات به خارجه، چنان که در ایران تصمیم اتخاذ شده است.
- وضع مقررات قانون زواج ایران، در ممالکی که واجد آن نیستند.
- تعدد زوجات مطابق حکم شرع، یعنی تقریباً ممنوع باشد.
- خانم‌ها باید البسه خود را از منسوجات وطنی قرار داده و در ترویج امتعه وطنی بکوشند و خود نمایشگاه‌هایی برای ترویج امتعه وطنی تشکیل دهند.
- خانم‌های شرقی باید از عادات و اخلاق غربی، آنهایی را که خوب و پسندیده است، اختیار کرده و بقیه را که مبنی بر هوا و هوس است، متروک دارند.
- فحشای سری ممنوع بوده و باید پلیس‌های زنانه برای کشف این گونه اعمال ایجاد شده، ممانعت به عمل آید و فحشای علنی محدود باشد...^{۶۸}

اگرچه در بندهای اولیه مصوب این کنگره، توجه خاصی به امور زنان از لحاظ اعطای حقوق اجتماعی، تحصیلات و تشویق زنان در خودکفایی اقتصادی به چشم می‌خورد، اما با دقت بیشتر بر این مصوبات، به خصوص دو بند آخر، شاهد شروع حرکتی جدی و رسمی در تجویز عادات و اخلاق غربی برای زن مسلمان، و در کنار آن، رسمیت بخشیدن به فساد اخلاقی از طریق نظارت دولت هستیم. امری که در کشوری چون ایران و با قوانین جاری اسلام در آن، نیازی به طرح و بزرگنمایی چنین اموری که خاص کشورهای غربی با نوع روابط اجتماعی آن است، احساس نمی‌شود. اما مشخص است که هدف، تخریب معیارها و مبناهای فرهنگی جوامعی چون ایران، و بنا نهادن الگویی است که در جوامع غربی مطرح بوده، و بنابراین، برای مشکلات ناشی از آن نیز (چون فساد اخلاقی) پیش‌بینی‌هایی نیز به عمل می‌آید!

اقدامات بعدی در تکمیل این حرکت‌های جهانی و منطقه‌ای، در جهت دستیابی به اهداف مورد نظر، در جامعه زنان ایران، به صورت تشکیل انجمن‌ها، مدارس و حتی روزنامه‌ها، پی گرفته شد تا بذری که بدین گونه پاشیده شده بود، در بستر گسترده اجتماعی بارور گردد، که در مباحث بعدی به آنها خواهیم پرداخت.